

## عنوان مقاله:

مقایسه مکاتب تربیتی غرب با مکتب اسلام

## محل انتشار:

نخستین کنفرانس ملی آینده پژوهی، علوم تربیتی و روانشناسی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسنده:

سجاد خزایی - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه پیام نور

## خلاصه مقاله:

پیامآوران الهی در طول تاریخ، با فرا خواندن امتها به پرستش آفریدگار جهان، با تکیه بر ارزش های اصیل اخلاقی در همه ابعاد زندگی، انسان را به رشد و رویش فرا می خواندند. پیام آور اسلام از سلسله سفیران الهی به شمار می آید که علت برانگیخته شدن خود را اتمام و اكمال سجایای اخلاقی برمی شمرد. نظامفکری اسلام با نظام های دیگر شباهت ندارد و تلفیق یا التقاطی از نظام های مختلف نیست، به طور کلی نظام فکری اسلام، جنبه ی تربیتی دارد که دارای ویژگی های معینی است. در این نظام، نه فرد به تنهایی مورد نظر است و نه جمع. فرد آزاد است، اما آزادی برای او معنایی هماهنگ با مقام والای انسانی دارد. در عین آزادی فرد مکلف و مسئول است و منافع مشروع فرد، تا آنجا که با منافع جمع برخورد نداشته باشد، تامین می شود، فرد باید در برابر جمع احساس مسدولیت کند. در این نظام، زندگی فردی از زندگی جمعی جدا نیست. به عبارت دیگر، فرد و جمع در برابر یکدیگر قرار نمی گیرند، بلکه حقوق و آزادی های فرد با رفاه جمع، تلفیق می شود. در عین حال، نظام توحیدی، فرد و جمع را در مسیر تکامل قرار می دهد. در این میان، عدهای به جای تمسک به فرهنگ اصیل و غنی دینی و گرایش به ارزشهای اخلاقی و حیانی، به مکاتب گوناگون روی آوردند تا پاسخ بخشی از مشکلات روحی و روانی و بحران های معنوی خود را بازیابند. دوری از ریشه آسمانی اخلاق و بی توجهی به خدا و آخرت، که از پایه های اساسی معرفت انسانی به شمار می رود، از آفاتی است که به ایجاد شبهات و سست شدن پایه های اخلاق منجر شده است. از این رو با توجه به هدف پژوهش نظرات برخی متفکران مکاتب فلسفی مختلف در غرب را مورد بررسی قرار می دهیم و در ادامه روش های تربیتی اسلام اریه می گردد تا در نهایت تفاوت های تعلیم و تربیت از نظر فلسفی در مکتب اسلام و غرب تعیین گردد.

## کلمات کلیدی:

مکاتب فلسفی، سفیران الهی، تربیت، آزادی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1245937>

